خبر روز

حراج قرآن سرقتی از ایران در ساتبیز لندن!

یک پژوهشگر نسخه‌های خطی و قرآنی می‌گوید ردی از قرآن خطی را که حدود ۲۰ سال پیش در ایران سرقت شد، در حراجی ساتبیز لندن پیدا کرده است. به گزارش ایسنا، مرتضی کریمی‌نیا، قرآن‌پژوه و مترجم و نسخه‌شناس مصاحف قرآن که حدود دو دهه پیگیر این قرآن مسروقه بوده و ورق‌های جداشده آن را تاکنون در موزه‌های لوور (پاریس)، لوور (ابوظبی)، متروپلیتن (نیویورک) و موزه هنر اسلامی (دوحه) و همچنین حراجی‌های ساتبیز، کریستیز و بنهامز شناسایی کرده‌است، به‌تازگی تصاویری از ورق‌هایی از این قرآن را منتشر کرده و اطلاع داده که «برای چندمین بار، تا یک هفته دیگر، یک برگ دیگر از قرآن دزدیده‌شده به شماره ۵۴۸ از موزه ملی پارس (شیراز) در حراج ساتبیز لندن به فروش خواهد رسید. این برگ شماره ۴۲ از مجموع ۱۷۲ برگ نسخه بوده است.» کریمی‌نیا تاکید کرد که «از وزارت میراث فرهنگی انتظار می‌رود چهار سال پس از افشای این سرقت و فروش برگ آن در حراج‌های مختلف اروپا، اکنون برای افکار عمومی توضیح دهد دقیقا کدام اقدام مؤثر و عملی را برای حفظ و بازگرداندن این میراث ایرانی انجام داده و نتایج آن چه بوده است.» این گزارش حاکی است، سرقت این قرآن خطی (کوفی) عصر روز بیست‌وهفتم فروردین سال ۱۳۸۲ در ساعات پایانی وقت اداری انجام شد. چهار سارق مسلح با لباس مبدل وارد موزه ملی پارس در شیراز شدند و با شکستن یکی از ویترین‌های شیشه‌ای موزه، نسخه‌ای از قرآن به خط کوفی را از موزه به سرقت بردند. درباره سرنوشت آن دزدها تاکنون خبری نشده است. نظر کریم‌نیا، پژوهشگر نسخ قرآنی بر این است که سارقان احتمالا قرآن کوفی را ورق ورق کرده و از ایران خارج کرده‌اند.

محکمه

قصه پرغصه قاتل مادر

پسر جوان با رضایت برادرش از قصاص رها شد

داستان زندگی مهران، قصه‌ای پرغصه است. ۲۱ بهار از زندگی‌اش گذشته و تلخی آن از هشت‌سالگی با دعواهای پدر و مادرش و جدایی آنها آغاز شد. با دیدن خماری‌های پدر، مطمئن بود سمت موادمخدر نمی‌رود اما ۱۵ساله بود که دوستی با دختر معتاد او را به دام مصرف گل انداخت. چهار سال بعد پدرش زندان رفت و نزد مادر و برادر بزرگ‌تر بازگشت. مادر را عامل بدبختی خود در این سال‌ها می‌دانست و همین تنفر، پنج ضربه چاقویی بود که بر پیکر مادر ۴۴ ساله فرود آمد. البته این قصه پایانی خوش برای مهران داشت؛ برادر از خون مادر گذشت تا او از قصاص رها شود.

نخستین برگ این پرونده قطور از شامگاه بیست‌ویکم دی‌ماه سال ۱۴۰۱ با گزارش ماموران کلانتری تهرانپارس تشکیل شد. آن‌طور که مامور پلیس در گزارش خود روایت کرده بود، پسر جوانی با صدایی لرزان و وحشت‌زده با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفته و از قتل مادرش خبر داده بود. مامور کلانتری با یادداشت آدرس سریع راهی این خانه در خیابان احسان در شرق تهران شد. جسد زن ۴۴ساله غرق در خون روی زمین افتاده بود. بریدگی‌های چاقو روی گردن و سینه زن دیده می‌شد. قاتلی آشنا به‌راحتی وارد خانه شده و این زن را قربانی ضربات مرگبار کرده بود. با بررسی صحنه قتل فرضیه سرقت خیلی زود رد شد. زن جوان قربانی کینه کور یک آشنا شده بود. کارآگاهان برای رازگشایی از این جنایت سراغ پسر مقتول رفتند. جوانی که با ورود به خانه با جسد مادرش روبه‌رو شده بود. او هنوز در شوک صحنه هولناکی بود که با آن روبه‌رو گردید. بریده‌بریده به کارآگاه جنایی گفت: «چند سال قبل پدر و مادرم از یکدیگر جدا شدند. از آن زمان، من با مادرم زندگی می‌کردم و برادرم با پدرم، اما به‌تازگی برادرم مهران پیش ما آمده و با من و مادرم زندگی می‌کرد. امشب بعد از پایان کار، زمانی که به خانه برگشتم هرچه زنگ در را زدم کسی جواب نداد. با کلیدی که داشتم وارد خانه شده و به محض ورود، با جسد مادرم روبه‌رو شدم و پلیس را خبر کردم.» بررسی‌ها نشان داد مقتول و پسر کوچکش مهران با هم اختلاف داشتند. این درحالی بود که مهران پس از جنایت ناپدید شده و شواهد نشان می‌داد که قاتل کسی جز او نیست.

درحالی‌که پلیس در جست‌وجوی مهران بود، او راه‌های مختلف را برای خودکشی امتحان می‌کرد. قرص برنج، رگ‌زنی و مسمومیت روش‌هایی بود که همگی ناکام ماند تا این‌که پس از یک ماه از این جنایت، رهگذران در یکی از خیابان‌های مشهد با پیکر نیمه‌جان او مواجه شدند که بی‌حال روی زمین افتاده و به‌سختی نفس می‌کشید. آنها که نمی‌دانستند پسر جوان قاتلی تحت تعقیب است با اورژانس تماس گرفته و مهران به بیمارستان منتقل شد. مهران به‌دلیل مسمومیت ناشی از مصرف بیش از حد دارو به کما رفت اما با تلاش پزشکان به زندگی برگشت. در این مدت هم هویتش فاش شد و تیم جنایی تهران برای انتقال او به مشهد آمد.

پسر ۱۹ساله پس از بهبود حالش با دستور قضایی به تهران منتقل شد و در تحقیقات به کشتن مادرش اعتراف کرد و گفت: «آتش این کینه از دوران کودکی روشن شد، زمانی که هشت‌ساله بودم. در آن زمان پدر و مادرم از یکدیگر جدا شدند. قبل از آن مدام با هم درگیری داشتند و از وقتی یادم هست، خاطره‌ای جز دعوای آنها ندارم. پس از طلاق، حضانت من به پدرم و حضانت برادر بزرگ‌ترم به مادرم سپرده شد. بعد از آن زندگی سخت من شروع شد. به‌همین خاطر از مادرم کینه به دل گرفتم. چون او را مسبب جدایی و روزهای سختم می‌دانستم. نوجوان بودم که برای رهایی از این تنهایی با دختری دوست شدم که به مخدر گل اعتیاد داشت. او مرا معتاد و رها کرد.»

ضربه‌های سخت زندگی به مهران تمامی نداشت و این بار با دستگیری پدر از سوی پلیس به‌خاطر خلافی که مرتکب شده بود، او تنهاتر شد و بعد از ۱۱ سال جدایی نزد مادر و برادرش برگشت. مادر وقتی فهمید مهران اعتیاد دارد تصمیم به ترک او گرفت. تصمیمی که یک‌طرفه بود و پسر کوچکش علاقه‌ای به جدایی از خماری و نشئگی نداشت.

وقتی بازپرس جنایی از او خواست درباره روز قتل بگوید، گفت: «مادرم مرا به کمپ برد و به‌تازگی از کمپ مرخص شده بودم. در مدتی که پیش مادرم بودم، گذشته‌ام بیشتر اذیتم می‌کرد. روز حادثه چون برادرم خانه نبود نقشه را اجرا کردم. با برداشتن چاقو از آشپزخانه سراغ مادرم رفتم که در اتاق نشیمن بود و پنج ضربه به او زدم. سعی کرد فرار کند که نتوانست و صدایش خاموش شد. یک ساعت کنارش نشستم و با همان چاقو ضربه‌ای به گردنم زدم که بمیرم اما نشد. از خانه بیرون آمدم و سه روز در خیابان و پارک سرگردان بودم. از عطاری دو بار قرص برنج خریدم اما هر دو بار قرص تقلبی بود و زنده ماندم. بعد فرار کرده و راهی مشهد شدم. زخم گردنم عفونت کرده بود که چند برگه قرص خریدم و چند تا را خوردم که به فکرم رسید همه را بخورم و بمیرم اما بیهوش در خیابان افتادم. مردم مرا به بیمارستان رساندند که زنده ماندم و راز قتل فاش شد.»

پس از تکمیل تحقیقات در دادسرا، پرونده آماده صدور کیفرخواست و ارسال به دادگاه کیفری یک استان تهران بود که برادر متهم از خون مادرش گذشت و او را بخشید. به این ترتیب پرونده برای محاکمه از جنبه عمومی جرم به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

سحرگاه بیم و امید
۴ محکوم به مرگ پای چوبه دار

چهار محکوم به مرگ سحرگاه دیروز برای اجرای حکم در زندان قزلحصار پای چوبه دار رفتند. سه نفر از آنها به‌علت قتل به قصاص محکوم شده و نفر چهارم به‌دلیل تعرض به یک زن به اعدام محکوم شده بود. حکم قصاص یکی از قاتلان اجرا و سه حکم دیگر متوقف شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، چهار محکوم به مرگ از روز سه‌شنبه به انفرادی زندان قزلحصار کرج منتقل شده بودند تا سحرگاه چهارشنبه بیست‌ونهم فروردین امسال حکم‌شان اجرا شود.

اولین زندانی فرشید بود. او بیست‌وپنجم خرداد سال ۱۳۹۹ پسرخاله‌اش را همراه همسر و دختر خردسال او در برج مسکونی سپید باغ فیض در غرب تهران به قتل رسانده بود. او مدتی بعد در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد و خانواده قربانیان برای او درخواست قصاص کردند. متهم نیز در جلسه محاکمه گفت: پسرخاله‌ام و همسرش تحصیلکرده بودند. او برج‌ساز بود و وضع مالی خوبی داشت. قبل از قتل یک تلویزیون ۶۰ میلیون تومانی خریده و می‌خواست خودروی لکسوس هم بخرد. همسرم مدام زندگی‌مان را با زندگی آنها مقایسه و مرا تحقیر می‌کرد و از او کینه داشتم. روز حادثه به خانه‌شان در همان برج محل سکونت خودم، رفتم. فهمیده بودم ارث کلانی به او رسیده و می‌خواهد به برجی در جردن برود. دوباره باید تحقیر می‌شدم. عصبانی شده و با برداشتن چاقو ضربه‌ای به گردنش زدم که فوت شد. دخترش مقابل در آمد که خواستم او را دور کنم اما چاقو به دختر اصابت کرد و فوت شد. سراغ زنش رفته و از ترسم او را در اتاقش کشتم.

قضات پس از محاکمه، فرشید را به سه بار قصاص محکوم کردند که این حکم در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد.

میلاد دومین محکوم به قصاصی بود که سحرگاه دیروز پای چوبه دار رفت. میلاد دوازدهم آبان سال ۹۶ زنی را به قتل رساند بود. پس از گزارش ناپدید شدن این زن از سوی خانواده‌اش، ماموران تحقیقات خود را آغاز کردند. روز بعد کیف او را که مدارک هویتی در آن بود پاکبانی در مقابل یک تالار عروسی در پایتخت پیدا کرد. در ادامه تحقیقات معلوم شد او با میلاد در ارتباط بوده که او بعد از ۱۰ روز فرار بازداشت شد. میلاد به قتل اعتراف کرد و گفت: با این زن آشنا شده بودم. او از من به‌دلیل مشکلات مالی‌اش به دفعات پول قرض گرفت و بدهی‌اش را که ۵۰ میلیون تومان بود پس نمی‌داد و هربار مهلتی برای پرداخت آن می‌خواست. روز حادثه سوار خودرویم شد و در جاده تهران کرج در تردد بودیم. خواست تا او را به خانه دوستش ببرم که با هم به سفر بروند. از او خواستم پولم را پس دهد که دعوای‌مان بالا گرفت و با دستمال پارچه‌ای که در خودرویم بود، خفه‌اش کردم. جسد را هم در جوی آب سه‌راه اندیشه انداختم.

این متهم نیز پس از محاکمه در دادگاه کیفری حکم قصاص گرفت و بعد از تایید حکمش، پرونده او به شعبه سوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران رفت.

زندانی سوم شهرام نام دارد. او یکم اردیبهشت سال ۹۴ زنی از اقوام‌شان را به قتل رسانده و جسد او را در حیاط ویلایی در فشم دفن کرده بود. شهرام در تحقیقات گفته بود چون پاسخ منفی برای ازدواج با این زن گرفته، او را کشته است. با اعترافش، جسد را هم پلیس کشف کرد. مرد جوان در جلسه محاکمه در دادگاه کیفری یک استان تهران گفت: ۱۰ سال قبل از حادثه شوهر این زن مرده بود و حضانت فرزندانش را داشت. من از اقوامش بودم. زن و بچه داشتم اما به‌علت علاقه به این زن می‌خواستم با او هم ازدواج کنم که قبول نکرد. روز حادثه از خانه بیرون آمد و در مسیرش قرار گرفته و خواستم سوار ماشینم شود. دوباره از او خواستگاری کردم که باز هم جواب رد داد و با روسری‌اش خفه‌اش کرده و جسد را در حیاط ویلایم در فشم دفن کردم.

این مرد نیز حکم قصاص گرفته و پرونده‌اش با تایید رای به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شده بود.

چهارمین زندانی مهرشاد است. او اوایل سال ۹۴ زنی جوان را به‌عنوان مسافر سوار کرد و با تهدید، این زن را به حاشیه تهران برد و با زور و تهدید مورد تجاوز قرار داد. با شکایت این زن، او تحت تعقیب قرار گرفت و بعد از مدتی بازداشت، به زندان افتاد. این مرد در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه و حکم اعدام گرفت. با تایید رای پرونده‌اش در دیوان عالی کشور، پرونده به شعبه اول اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد.

این چهار محکوم به مرگ، سحرگاه چهارشنبه بیست‌ونهم فروردین امسال در محوطه زندان قزلحصار کرج پای چوبه دار رفتند. اولیای دم قربانیان هم به آنجا آمده بودند. اولین نفر فرشید پای چوبه دار رفت و التماس‌هایش بی‌نتیجه بود و اولیای دم زن جوان، او را نبخشیدند و قصاص شد. بعد از آن میلاد پای چوبه دار رفت که التماس‌های او نتیجه داد و خانواده مقتول به او مهلت ۲۰ روزه دادند. شهرام سومین اعدامی بود که توانست از فرزندان و مادر مقتول مهلتی سه ماهه برای جلب رضایت بگیرد. سرانجام نوبت به مهرشاد مرد متجاوز رسید. او پیش از این دو بار پای چوبه دار رفته بود؛ یک بار با اعاده دادرسی حکمش متوقف شد. یک‌بار هم موقعی که پای چوبه دار رفت توبه‌نامه نوشت که حکم او دوباره متوقف شد. با رد توبه‌نامه و اعاده دادرسی‌اش، دیروز برای سومین بار پای چوبه دار رفت که این بار هم به خاطر طرح اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور، حکم او به‌طور موقت متوقف شد و این سه نفر به سلول‌های خود در زندان بازگشتند.

اتفاقیه

«جام‌جم» از آخرین وضعیت مناطق سیل زده جنوب و جنوب شرق کشور گزارش می‌دهد

نمره قبولی مدیریت بحران سیل

بارش شدید باران و سیلابی که از چند روز پیش آغاز شد و مناطق جنوبی کشور ازجمله سیستان و بلوچستان، هرمزگان، جزایر کیش و قشم را درنوردید، شهرستان عنبرآباد استان کرمان و جاسک را هم بی‌نصیب نگذاشت و علاوه بر خسارات مادی، تلفات جانی هم همراه داشت. در حالی که این موج بارشی در کشورهای حاشیه خلیج فارس و همسایه‌های شرقی تلفات بالایی بر جای گذاشت با هشدار به موقع هواشناسی و آماده‌باش نیروهای امدادی در ایران با خسارت و تلفات کمتری نسبت به حوادث مشابه قبلی همراه بود و تنها نگرانی خسارت سدهای خاکی و جاری شدن سیلاب به داخل روستاها و شهرها است.

یکی از این حوادث، مفقود شدن سه دختر ۱۲، ۱۷ و ۲۰ ساله بود که از روز سه‌شنبه مفقودی آنان اعلام شد. در حالی‌که بیم آن می‌رفت هرسه قربانی سیلاب شده باشند، امدادگران هلال احمر آنها را زنده پیدا کردند. به گفته یزدان افشاری فرماندار عنبرآباد، اداره کل عشایری جنوب کرمان و فرمانداری به خانواده‌های عشایری اعلام کرده بود که محل را هنگام سیلاب ترک کنند، اما خانواده‌ها حاضر به جابه‌جایی نشدند تا این‌که سه دختر عشایری درگیر سیلاب شدند.

یعقوب دادالهی، دهیار روستای کوشکمور درباره این حادثه به جام‌جم می‌گوید: «این سه دختر از عشایر بوده و در روستای سرجنگل عشایر، یکی از روستاهای بخش مردهک درگیر حادثه و بارندگی شدید شدند. آنها هفت خواهر هستند و چون هیچ پسری در خانواده نیست، این سه دختر معمولا گوسفندان را برای چرا به مراتع می‌برند. روز سه‌شنبه چند گوسفند این دختران درگیر سیلاب شدند و سه خواهر تصمیم گرفتند احشام خود را نجات دهند، اما با شدت یافتن بارندگی و این احتمال که درگیر حوادث ناگوار شوند، به خانه یکی از عشایر رفتند تا پس از فروکش کردن سیلاب به خانه خود برگردند.»

در مدتی که سه خواهر برای درامان ماندن از سیلاب به خانه یکی از هم‌عشیره‌های خود پناه برده بودند، خانواده آنها نگران از وضعیت نامعلوم دختران خود از نیروهای امدادی درخواست کمک کردند. به گفته دادالهی، دخترها منتظر بودند سیل فروکش کند که خوشبختانه این اتفاق افتاد و با کمک نیروهای امدادی هر سه صحیح و سالم نزد خانواده خود برگشتند: «خسارت‌های زیادی به مناطق سیل‌زده وارد شده و به‌دلیل تخریب جاده‌های ارتباطی، هیچ رفت و آمدی نداریم. متاسفانه محصولات کشاورزی مانند هندوانه وگوجه که مردم کاشته بودند، از بین رفت و محصولات خودم نیز آسیب دیده است.»

گرچه حادثه مفقودی سه نوجوان در سیلاب عنبرآباد ختم به خیر شد، اما در جاسک قربانی گرفت. علی مهرانی فرماندار جاسک گفت: «دو جوان ۱۴ و ۲۰ ساله اهل روستای زهریکارسورک شهرستان جاسک در گودال آب ناشی از سیلاب مشغول شنا کردن بودند، اما به دلیل گل‌آلود و باتلاقی بودن زمین، هر دو گرفتار شده و جسدشان توسط اهالی بیرون کشیده شد.

معاون عملیات سازمان امداد و نجات هلال احمر نیز در خصوص آخرین اقدامات امدادی در سیل جنوب کشور گفت: «ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه بامداد روز گذشته، ۴۳ مسافر دو دستگاه اتوبوس که در جاده کنارک به نیکشهر گرفتار سیلاب شده بودند، نجات داده شدند. بر اساس آخرین گزارش‌ها، با توجه به شدت سیلاب سیستان و بلوچستان ۲۰ تیم واکنش سریع و امداد و نجات سیلاب شامل ۱۰۰ نجاتگر از هلال احمر استان‌های فارس و یزد به کنارک و زرآباد اعزام شدند.

سیلاب علاوه بر ایران در کشورهای همسایه از جمله عمان هم قدرت‌نمایی می‌کند. در شرایطی که ۲۱ خدمه یک نفتکش سریلانکایی در اثر طوفان در حال غرق شدن در دریای عمان بودند، با اعلام مرکز جست‌وجو و نجات اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان به مرکز برج کنترل دریایی جاسک، یک شناور امداد و نجات جاسک به محل اعزام شد و تمام خدمه را نجات داد. پنج نفر نیز که نیاز به مراقبت درمانی داشتند توسط اورژانس جاسک خدمات دریافت کردند و وضعیت جسمی این دریانوردان خوب است.

کوتاه از حوادث

کشف جسد رقیب عشقی

بقایای جسد سوخته مردی جوان که رقیب عشقی‌اش او را به قتل رسانده بود، در جاده ساوه از سوی پلیس جنایی پایتخت کشف شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، نیمه دوم بهمن سال گذشته مردی جوان از خانه‌اش در یکی از محله‌های تهران بیرون رفت و ناپدید شد. ماموران بعد از دو ماه تحقیقات به سرنخ‌هایی دست یافتند که نشان می‌داد او آخرین مرتبه سوار پرایدی بوده است. در ادامه این تحقیقات معلوم شد آن پراید متعلق به خواستگار دختری است که مقتول مدتی با او نامزد بوده است. برای روشن‌شدن ماجرا این دختر احضار شد و در تحقیقات گفت: مرد گم‌شده به قتل رسیده است. او نامزد سابقم بود که به خاطر اختلاف‌های خانوادگی از او جدا شدم. به‌تازگی با یک راننده اینترنتی در راه دانشگاه آشنا شده و او می‌خواست به خواستگاری‌ام بیاید که خانواده‌ام در جریان بودند. مقتول دوباره سراغم آمد و خواست ازدواج کنیم که خواستگار جدیدم فهمید و او را کشت و جسدش را در حاشیه جاده ساوه آتش زد.

با اعتراف دختر جوان، عامل جنایت نیز بازداشت و به این جنایت و آتش‌زدن جسد اعتراف کرد.

سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف‌های این دختر و پسر جوان ماموران به تحقیقات ادامه دادند و توانستند بقایای جسد سوخته این پسر را در همان جاده ساوه یافته و بعد از انجام آزمایش دی‌ان‌ای معلوم شد جسد متعلق به پسر گم‌شده است.

مرگ در آتش خانه

آتش‌سوزی خانه‌ای در مجیدیه شمالی به مرگ مرد ۶۰ساله‌ای منجر شد. جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در این‌باره به جام‌جم گفت: ساعت ۱۱ و ۱۳ دقیقه چهارشنبه وقوع آتش‌سوزی در مجیدیه شمالی، خیابان حسینی به آتش‌نشانی گزارش شد. آنها با حضور در محل مشاهده کردند آتش‌سوزی در طبقه سوم یک ساختمان چهارطبقه ۱۲واحدی در یک واحد ۷۰ متری رخ داده است. به‌دلیل وجود مواد ضایعاتی و همچنین ظروف حاوی بنزین و حشره‌کش همزمان با آتش‌سوزی، چند انفجار کوچک نیز در آنجا رخ داده بود. همزمان با خاموش‌کردن آتش جسم بی‌جان یک مرد ۶۰ساله توسط آتش‌نشانان کشف شد که تحویل عوامل انتظامی شد و پس از دقایقی نیز آتش به‌طور کامل خاموش شد.

آدم‌ربایی با اخاذی ۵۰ میلیاردی

سه مرد که به قصد اخاذی ۵۰ میلیارد تومانی معادل رمز ارز تتر مردی را ربوده بودند، ناکام ماندند و گروگان نجات یافت.

به گزارش سایت پلیس، زن جوانی با حضور در کلانتری ۱۱۹ مهرآباد تهران شکایت کرد و برای یافتن شوهر گمشده‌اش کمک خواست و گفت: سه روز قبل از شهرستان به تهران آمدیم. همسرم برای دیدن برادرش راهی خانه او شد اما دیگر بازنگشت و تلفن همراهش هم خاموش شد. سراغ او را از برادرش گرفتم که اظهار بی‌اطلاعی کرد. ساعتی بعد از این ماجرا فردی غریبه به تلفن همراهم زنگ زد و مدعی شد شوهرم را ربوده و اگر می‌خواهم او کشته نشود، برای آزادی او باید رمزارز تتر به ارزش ۵۰ میلیارد تومان بپردازم.

با جمع‌بندی این اطلاعات تحقیقات ماموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران در این رابطه آغاز شد. در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد مرد جوان ربوده شده پیش از ملاقات برادرش جهت اقدامات پزشکی به بیمارستانی در تهران رفته و در آنجا تلفن همراهش خاموش شده است.

با کشف این سرنخ ماموران در بیمارستان با بازبینی فیلم دوربین مداربسته آنجا متوجه شدند سه مرد سرنشین خودروی پژو ۴۰۵ با توقف مقابل او راهش را سد کرده و با کتک او را ربوده‌اند. در جریان تحقیقات هویت یکی از آدم‌ربایان به دست آمد و معلوم شد مرد ربوده‌شده با آدم‌ربایان اختلاف مالی داشته و به همین دلیل او را ربوده‌اند. در ادامه تحقیقات پلیسی مشخص شد آدم‌ربایان در محور خاش ـ زاهدان در تردد هستند و ماجرای ربوده‌شدن او را دوست مشترک‌شان می‌داند.

چند روز پیش این مرد احضار شد و در تحقیقات گفت: او قرار بود برای حل مشکلات مالی که با آدم‌ربایان داشت، ۵۰ میلیارد تومان تتر به حساب آنها واریز کند اما این کار را نکرد و آن سه مرد وقتی به پول‌شان نرسیدند، نقشه ربودن وی را به اجرا گذاشتند.

متهمان که متوجه شده بودند پلیس در تعقیب‌شان است، گروگان را رها کرده و با ناکامی در اخاذی متواری شدند. گروگان هم از خاش خود را به تهران رساند و نزد خانواده‌اش بازگشت. تحقیقات برای دستگیری سه مرد آدم‌ربا ادامه دارد.